

نگاهی به مجموعه شعر «گزیده ادبیات معاصر ۷۸» از جواد محقق

در جدال رنگ و استعاره



[بزدان سلحشور]

● یک
هنر بسته می‌آید که پوری باز نکردم / راهی به فراسوی خود آغاز نکردم / نام زجه در دفتر ایام مساند / در مکره می عشق که اعجاب نکردم / شرمندگی آنم که پس از این همه بودن / یک پنجره را سوی اشدن باز نکردم / در قاب قفس غربت تصویر من افتاد / روزی که به همراه توپرواز نکردم / این روز دلم بود که گفته به تو ای دوست / غمزاز تو به پیش کسی ابراز نکردم

«گزیده ادبیات معاصر شماره ۷۸» گزیده ای است از آثار جواد محقق متشکل از ۱۳۳۳ و چهاره ای آشنا در عرصه های شعر بزرگسال و شعر کودک / زبان وی در غزل، شفاف است و البته در بند رویدادهای سبک عراقی- شاید هم بیبانی و میانه سبک عراقی و مکتب وقوع-

غزلیات وی، به طور معمول بخشی از نگاه خود را وادار آسمان است و بخشی دیگر را به زمین دوخته است. حسن آسمانی و ناتوانی زمینی در غزلیات محقق، شکلی عینی می یابد و گستر از ذہنیت سبک عراقی متقدم در آن بخشوست. سبک عراقی کارهای وی، از جنس سبک عراقی است و بیست تا نجاه پنجاه است دل داده آن گونه گویند و در زبان، ناهم پیوسته است (سرایی) که اغلب و اکثر این شکل گفتن را «معاصر» نامیده ایم اما این همصوری به ورون زبان روزمره و رفتار امروزی آشیاء به شعر و تصاحب روح زمانه از درجه انقلاب و رویداد زبانی، منجر نشده، اگر روح زمانه قابل جستجو باشد در این گونه شعرها، در نمایش صورت خیال تازه ای است که معاصران به حساب تحولات پس از ظهور نیما می گذارند اما در واقع، سبک هنری متعددی است که پس از سقوط این سبک، دوباره به آن رجوع شده است.

همثل هیوم می کشم در دوش، بار شعله را / می برم تا شهر خاکستر، سوار شعله را / گرچه می سوزم در در پیش چشم شامه ها / زود می سوزم من آب تنیز / بار شعله را / تاب مهرهای نادر هیچ / تا خشک و درم / باز می گیرم زدمش من فرار شعله را / تا که زود آفرده گردد از تقاضی کسی / می کشم باهای خود هوی، دوش شرار شعله را / بگذر گر باد فرود، از کنار شعله ها / در دل خاکستر من بند شعله را

محقق چه پهنی ای شناخته شده است. از انقلاب اسلامی به وی، سو و ای نام های آشای شعر انقلاب اسلامی ست و آنچه که به طور معمول از شعر انقلاب و شعر جنگ می شناسیم در او متجلی است. شعرهای تعریف شده وی در این «گزیده»، برخوردار از ویژگی های گروهی شاعران اوایل دهه شصت است و البته نگاه محقق در این شعرها معطوف است به

که می خواهد صمیمی و عاشقانه باشد اما چهره مخاطب شعر، آن تنویدی آید، در برده ای از ایام است. این شعر به یقین دشمنانه «ادبیات سیاسی- اجتماعی» ده پنجاه است بی آنکه حاوی استعاره های آن ادبیات باشد. بدون آن استعاره ها، معنای در دسترس نمی غایب است. شاعر به کدام کارزار، با گذاشته؟ منظورش جنگ هشت ساله است؟ جنگ یا رقیب بر سر مجادله ای عاشقانه است؟ [چنان که سبک عراقی، مکتب وقوع و سبک هنری پر است از این مجادله ها] از این کوچه های افتخ، منظورش کوچه های متعلق به گروه افتخ، در فلسطین است یا معانی دیگری در کار است؟ شعر البته، بخشی از رویدادهای باز از ریشه های اصلی شعر سیاسی- اجتماعی دهه پنجاه اخذ کرده است یعنی شعر معاصر عرب. تمامی استعاره ها، در دل چنین شعر- شعری از البتای یا درویش- منبأ پذیر است اما در دل شعری از محقق چطور؟

● سه
۱ در کوله بارت چه داری، ای دوره گرد غریبه؟ / آرمه ای از غم و رنج، از درد، درد غریبه! / یک سفره نان دارم امروز، با پونه های که تازه ست / بنشین و یک لقمه بردار، ای بره، مرد غریبه! / نه میل خوردن ندارم، دیشب کسی زخم خوردم / از دست درآشایی، در یک نبرد غریبه / تنه تویدی که آنجا پس خیل باران چه کردند؟ / آن را نمک سود کردند، با حرف سرد غریبه / لابد دگر آرزویی، در کنج قلبت نداری؟ / دارم، خوشا در شب بزم، یک هم نورد غریبه / ما هم در این باغ خونین، یک پرگ بیگانه دیدیم / آری همان سبز دیروز، این زرد، زرد غریبه / هشدار، از این دورنگان، ما را همین شب شکستند / با گرگی می خواند و می رفت، آن دوره گرد غریبه!

● چهار
دعوت محقق، در این سال ها، بیشتر در حوزه شعر کودک و نوجوان مطرح است نه شعر بزرگسال. چرا؟ شاید پاسخ به این سؤال نیازمند کشف و شنودنی جامعه شناسانه در حوزه های ادبی این سال ها باشد!

● پنج
شعر «غریبه» گرچه در میان غزل های محقق، یک نقطه عطف است، به دلیل توجه به فضا سازی، روایتگری و نزدیک شدن به زبان روزمره اما به واسطه غزل نرسیده، شاعر دوباره فرمان را کج می کند تا از مفاهیم ذهنی، برای توصیفات عینی بهره بگیرد و استعارهای باغ و برگ و سبزه و زرد را در صفت می کند که البته کارآمد نیست. بنیه این غزل بیش از اینهاست و خدا را شکر که

جامعه شناسانه در حوزه های ادبی این سال ها باشد!

● شش
شعر «غریبه» گرچه در میان غزل های محقق، یک نقطه عطف است، به دلیل توجه به فضا سازی، روایتگری و نزدیک شدن به زبان روزمره اما به واسطه غزل نرسیده، شاعر دوباره فرمان را کج می کند تا از مفاهیم ذهنی، برای توصیفات عینی بهره بگیرد و استعارهای باغ و برگ و سبزه و زرد را در صفت می کند که البته کارآمد نیست. بنیه این غزل بیش از اینهاست و خدا را شکر که

● هفت
شعر «غریبه» گرچه در میان غزل های محقق، یک نقطه عطف است، به دلیل توجه به فضا سازی، روایتگری و نزدیک شدن به زبان روزمره اما به واسطه غزل نرسیده، شاعر دوباره فرمان را کج می کند تا از مفاهیم ذهنی، برای توصیفات عینی بهره بگیرد و استعارهای باغ و برگ و سبزه و زرد را در صفت می کند که البته کارآمد نیست. بنیه این غزل بیش از اینهاست و خدا را شکر که

● هشت
شعر «غریبه» گرچه در میان غزل های محقق، یک نقطه عطف است، به دلیل توجه به فضا سازی، روایتگری و نزدیک شدن به زبان روزمره اما به واسطه غزل نرسیده، شاعر دوباره فرمان را کج می کند تا از مفاهیم ذهنی، برای توصیفات عینی بهره بگیرد و استعارهای باغ و برگ و سبزه و زرد را در صفت می کند که البته کارآمد نیست. بنیه این غزل بیش از اینهاست و خدا را شکر که

● نُه
شعر «غریبه» گرچه در میان غزل های محقق، یک نقطه عطف است، به دلیل توجه به فضا سازی، روایتگری و نزدیک شدن به زبان روزمره اما به واسطه غزل نرسیده، شاعر دوباره فرمان را کج می کند تا از مفاهیم ذهنی، برای توصیفات عینی بهره بگیرد و استعارهای باغ و برگ و سبزه و زرد را در صفت می کند که البته کارآمد نیست. بنیه این غزل بیش از اینهاست و خدا را شکر که

● ده
شعر «غریبه» گرچه در میان غزل های محقق، یک نقطه عطف است، به دلیل توجه به فضا سازی، روایتگری و نزدیک شدن به زبان روزمره اما به واسطه غزل نرسیده، شاعر دوباره فرمان را کج می کند تا از مفاهیم ذهنی، برای توصیفات عینی بهره بگیرد و استعارهای باغ و برگ و سبزه و زرد را در صفت می کند که البته کارآمد نیست. بنیه این غزل بیش از اینهاست و خدا را شکر که

● یازده
شعر «غریبه» گرچه در میان غزل های محقق، یک نقطه عطف است، به دلیل توجه به فضا سازی، روایتگری و نزدیک شدن به زبان روزمره اما به واسطه غزل نرسیده، شاعر دوباره فرمان را کج می کند تا از مفاهیم ذهنی، برای توصیفات عینی بهره بگیرد و استعارهای باغ و برگ و سبزه و زرد را در صفت می کند که البته کارآمد نیست. بنیه این غزل بیش از اینهاست و خدا را شکر که

این خراب آباد / که بی حمایت او، پشت مرد می کشند / غزل به گونه دیگر زند به دل آتش / مگر که ظلمت شب های سرد می کشند! / در همین وزن، با همین ردیف و حتی با همین قافیه، می توان غزلیات دیگری در این سال ها جست و جو کرد که نه تنوع رنگی این کار را دارند نه رقص کلمات را در این عرصه / اما موفقت به پایان می رسد تا بتوان در سپر هنوز هم / بگذارد تا تو را نسرایم / بگذارد تا نامی اشعارم / بیک به کارزار بیایم / بگذارد در برابر بیاد، چون تیر و تیغ بیایم. ***

یک روز صبح / وقتی که آفتاب / گیسوی زرفشان بلندش را / در کوچه های فتح فرو ریخت / چندین غزل / به وصف صبوری / یعنی برای تو / خواهم گفتم / بگذارد تا تو را نسرایم / اشعری ست که مجسمم، نیست در حالی که می خواهد باشد! می خواهد وصف حال باشد اما نیست، «حال» ساخته نشده، وضوح نیافته، تا توصیف، این مشخص باشد. «وصف حساسه های سفر» که باید معطوف «فراتر» باشد در کدام یک از فرامته ها، «هایی که می شناسیم باید معنا شود؟ یا شمع» استعاره ای برای کدام معناست که از شمع، مراد می شود؟ شمع زلفاد یعنی، شمع چشمان مشوق، شمع اختناق، شمع حکومت یعنی، شمع حضور اسرار آیل در سزمین های اشغالی، یا... اینها همه مشکلات است که فرامتنی ست که شاعر محتماً فکر می کرده که در زمان سرایش این شعر [۶۶] معنای مشخص آن، ملموس بود اما اکنون تکلیف ما چنین نیست چیست؟ متنی

حضور عشق مبارک، نمونه ای از این دست آثار محقق است که برخوردار از صنایع لفظی نضاده و طعنه و رنگ آمیزی کار - پدیده ای که آثار زبانی سخته از آن غفلت می شد و شعرها با طیفی از قوه ای سوخته در ذهن مجسم می شدند - به رفیع «آزار استعاره ها» کمک شایانی کرده است. «مجموع حادثه ناپشت مرد می کشند / مرا به داغ تو انبوه درد می کشند / شمی که باد تو می ریزد از ستاره جو تو» / «سپاه فتنه به صبح تیرد می کشند / از سلاسل آن آدمی که هارلیس / ای بکر پیش تو قدر است کرد می کشند / زپار سبز قلم، با چنگامه گل سرخ / شکیب را به تن فصل زرد می کشند / حضور عشق مبارک در

مهم ترین ویژگی این آثار که استعاره گویند، است. بیان استعاری این شعرها که ریشه در ادبیات استعاری پیش از انقلاب دارد، رفته رفته به فرهنگ تازه ای دست می یابد و گرچه شمع، که روزگاری حکومت پهلوی دوم از آن براد می شد در این دوره بدل به حاکمیت یعنی عراق یا استعمار آمریکا با تجاوزگری اسرائیل می شود با این همه، وجوه استعاری تازه ای در این گونه شعرها متولد شده و مفاهیم را در اختیار می گیرند و رفته رفته انباشتنی آنها، به تراجم معنایی تکراری، بدل می شود گرچه برخی از شاعران همچون محقق، از این سبب تا حد جدوی می گریزند و این تراجم، در غزلیاتشان چندان آزار دهنده نیست در دایره زمانه از پس این همه سال.

کارت سفر دانشجویان ایران
TRAVEL CARD for IRANIAN STUDENTS
دنیایی بزرگ در کارت کوچکی

خدمات رایگان در مشهد مقدس سفر آسان به جزیره کیش
هوا و کمک هزینه مسافرت تسهیلات اقامتی
مسفرهای خاص و ارزان قیمت داخلی و خارجی مسفرهای قسطی
تخفیف جهت استفاده از هتل های گروه پارسیان و هما (۵۰٪ - ۲۰٪)

کلیه دانشجویان کشور می توانند جهت عضویت و کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی طرح به نشانی زیر مراجعه فرمایند.

۸۸۹۹۳۰۴۰
۸۸۹۶۲۵۹۰
۸۸۹۵۶۳۷۵

www.fcis.ir

آگهی مناقصه

پژوهشکده هوشناسی در نظر دارد انجام امور خدمات، نظافت و امور نگهداری و ایجاد فضای سبز خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

لذا متقاضیان می توانند برای دریافت شرایط مناقصه و با در دست داشتن فیش بانکی به مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به حساب ۱۰۸ خزانه نزد بانک مرکزی به مدت ۵ روز از تاریخ درج آگهی به امور اداری پژوهشکده هوشناسی واقع در بزرگراه تهران - کرج، خروجی ۱۵، بلوار پژوهش (شهرک علم و فناوری پژوهش) انتهای بلوار، پژوهشگاه هوشناسی و علوم جو مراجعه نمایند. در ضمن هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

پژوهشکده هوشناسی

آگهی ارزیابی پژوهشگران

شماره ۵۲۳۲۸۲۴۱

K.S.C

شرکت فولاد خوزستان در نظر دارد انجام پروژه تحقیقاتی و اجرایی «بررسی مایع و اصلاح سیستم SEAL GAZ GENERATOR واحد اسیا، خود را به پژوهشگرانی که دارای تجربه و دانش لازم، توان مدیریتی مناسب و گواهی صلاحیت معتبر باشند. برابر با آیین نامه اجرایی بند «ه» ماده ۶۹ قانون برگزاری مناقصات و با استفاده از روش انتخاب براساس قیمت و کیفیت واگذار نماید.

از کلیه پژوهشگران واجد شرایط دعوت می شود به منظور ارزیابی کیفی، حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۸ آمانگی خود را از طریق پست الکترونیکی **VENDOR-ASSESS@KSC.IR** اعلام داشته و استعلام ارزیابی را از وبسایت شرکت فولاد خوزستان به نشانی **WWW.KSC.IR** دریافت نموده و پس از تکمیل آن و پیوست نمودن مستندات ارزیابی، حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۵ به آدرس زیر ارسال نمایند:

اهواز، کیلومتر ۱۰ جاده اهواز - بندر امام، ص پ ۱۳۷۸، شرکت فولاد خوزستان، مدیریت برنامه ریزی و پشتیبانی خرید، واحد ارزیابی تأمین کنندگان، تلفن: ۰۶۷-۲۲۷۹۱۶۷

پدیدهی است اعلام آمانگی مذکور صرفاً به منظور ارزیابی کیفی متقاضیان بوده و هیچگونه حقی را جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

آگهی مناقصه عمومی

یک مرحله ای
شماره ۱۸۹ اس ع ۸۶

شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران در نظر دارد اجرای خط اوله نخبه اصلی زون فشاری T مهر شهر را از محل اعتبارات طرح های عمرانی از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای رتبه ۵ در رشته آب و با صلاحیت و تجهیزات واگذار نماید.

موضوع پروژه: اجرای خط اوله نخبه اصلی با اوله چند نشکن به قطر ۸۰۰ میلیمتر به طول حدود ۳۱۰ متر

برآورد پروژه: براساس فهرست بهای خطوط انتقال آب سال ۸۶، ۴۸۶، ۴۳۳، ۴۲۸، ۴۲۸ ریال می باشد.

مدت اجرای پروژه: ۵ (پنج) ماه شمسی می باشد.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۷۷۸۰۰۰۰۰ ریال به صورت واریز نقدی به حساب شرکت و با ضمانت بانکی می باشد.

محل تحویل اسناد مناقصه: ساختمان «روز یکشنبه مورخ ۸۶/۱۲/۲۴» محل تحویل اسناد اداره و خریدار شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران می باشد.

تاریخ بازگشایی پاکت: ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۸۶/۱۲/۲۴ خواهد بود.

قیمت فروش اسناد مناقصه: مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال واریزی به حساب ۴۸۵۷۷۳۵ بانک تجارت شعبه مرکزی کرج (به نام آب و فاضلاب غرب استان تهران)

دوایان می توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از انتشار آگهی نوبت دوم ظرف مدت یک هفته یا در دست داشتن صور فریانه به امور بازرگانی و قرارداد های شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران واقع در کرج، انتهای بلوار شهید چمران ساختمان شهر یک، طبقه همکف مراجعه نمایند.

تخفیف های امور بازرگانی و فراتر داده ها: ۲۲۴۴۶۶-۲۲۴۴۶۶-۲۲۴۴۶۶

پدیدهی این مناقصه ای است. منظور از مناقصه، مناقصه ای است که بعد از تصدیق مدت مقرر واصل شود. مطابق ترتیب اثر داده نخواهد شد. مزایای درج در نوبت آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

ساز و اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مطرح است.

شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران - مناسی خاص